

خلاقیت

وراه‌های شکوفایی آن



تلخیص و اقتباس:
احمد شریفان
کارشناس ارشد
سنجش و اندازه‌گیری

اشاره

شده است، توجه کنیم. در این دهه، تعداد منابع مکتوب دربارهٔ خلاقیت، نسبت به دهه‌های گذشته، افزایش چشمگیری داشته است. دلیل آن نیز می‌تواند نظر ما را به‌طور مضاعف به خلاقیت و آموزش آن معطوف کند. در واقع، تصور دلیل این علاقهٔ روزافزون به خلاقیت، کار دشواری نیست. زیرا امروزه در هر فرهنگی، پیوسته زمینه‌های مطالعاتی کلی و تازه‌ای، به فاصلهٔ کم (حدود دو تا چهار سال) به‌وجود می‌آیند. در همین حال، برخی مشاغل از میان می‌روند و مشاغل جدید جایگزین آن‌ها می‌شود. بنابراین، آماده‌سازی جوانان در مورد نقشی که آنان در چنین جوامع پویایی برعهده خواهند گرفت، پیچیده‌تر می‌شود. در این باره، سیلبرمن (۱۹۷۰: ۱۱۴) به

چند سال پیش برای خرید کتاب‌های مورد نیازم به نمایشگاه بین‌المللی کتاب رفته بودم. در ضمن بازدید از غرفهٔ ناشران خارجی، به کتاب استرنبرگ و همکارانش با عنوان «هوش کاربردی» برخوردم. آن را خریدم و مطالعه کردم. از محتوای کتاب لذت بردم و تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. در ضمن ترجمه، متوجه شدم کتاب مذکور، قبلاً ترجمه شده و به چاپ هم رسیده است. کتاب ترجمه شده را نیز خریدم و خواندم. به انتخاب خودم برای خرید آن کتاب انگلیسی احسنتم گفتم. ترجمهٔ به‌عمل آمده از کتاب نیز به‌خوبی انجام شده بود. در بخشی از این کتاب به خلاقیت و شیوه‌های شکوفایی آن پرداخته شده است. خواندن این بخش از کتاب دربارهٔ خلاقیت، ویژگی‌های افراد خلاق، موانعی که افراد خلاق در جامعه با آن‌ها مواجه می‌شوند و راه‌های گسترش آن، در من بینشی ایجاد کرد. لذا تصمیم گرفتم با تلخیص و اقتباس مطالب و ادغام آن با محتوای کتاب گالاگر با عنوان «آموزش کودکان تیزهوش»، دیگران را در شوق حاصل شده شریک کنم. بنابراین در این مقاله، به خلاقیت و راه‌های شکوفایی آن پرداخته شده است.

دست‌اندرکار آموزشی در طراحی برنامه‌های آموزشی خود به آن توجه وافر دارد. در این باره، کافی است به تعداد مقاله‌ها و کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر در این باره نگاشته

سرآغاز

در طول سال‌های متمادی، خلاقیت در تعلیم و تربیت بازار گرمی داشته است؛ به‌طوری که هر

کلید واژه‌ها:

خلاقیت
قدرت
خلاقیت
جامعه و
خلاقیت



در ذهن خودتان چندسالی به عقب برگردید و مشاغل آن زمان را با زمان حال مقایسه کنید. به طور حتم مشاغلی را خواهید یافت که دیگر وجود ندارند و جای آن‌ها را مشاغل جدید گرفته‌اند.

■ مفهوم خلاقیت

به گفته بارون (۱۹۶۹)، خلاقیت به معنای تبدیل اطلاعات کهنه برای حل مسائل تازه است. به بیان دیگر، خلاقیت را می‌توان به گونه‌ای بسیار ساده به عنوان توانایی در به وجود آوردن چیزی تازه تعریف کرد. در واقع، بارون اظهار می‌دارد:

از آنجا که انسان قادر نیست چیزی را از هیچ بیافریند (خلق کند)، عمل آفرینش بشری همیشه مستلزم تغییر شکل دادن مواد معین است؛ خواه این مواد فیزیکی و خواه ذهنی باشند. چیز تازه، ترکیبی است که از طریق بازسازی یا تولید مجدد چیزی کهنه ساخته می‌شود (ص ۱۰)، به نقل از گالاگر (۱۹۷۴).

■ فرایند خلاقیت

تاکنون در مورد فرایند خلاقیت چهار مرحله اصلی آماده‌سازی، دوره نهفتگی، اشراق، و اثبات تحقیقی تشخیص داده شده است. منظور از چهار مرحله مذکور به این شرح است:

● **آماده‌سازی:** مرحله‌ای است که در آن همه جوانب مسئله بررسی می‌شود. این مرحله در اصل دوره‌ای از شناسایی مسئله و جمع‌آوری حقایق به‌شمار می‌رود. نتیجه این بررسی، خودش را در قالب انجام تکلیفی از سوی دانش‌آموز که به‌خوبی مرتب و سازمان یافته است نشان می‌دهد. این مرحله،

نقل از گالاگر (۱۹۷۴) اظهار می‌دارد: **تعلیم و تربیت برای عملی شدن باید فرد را برای کاری آماده کند که هنوز وجود ندارد و ماهیتش را حتی تصور هم نمی‌توان کرد.** این امر تنها به این طریق انجام می‌پذیرد که به کودکان آموزش داده شود چگونه یاد بگیرند و به آن‌ها نوعی انضباط فکری داده شود تا آن‌ها را قادر سازد اندوخته عقلی بشر را صرف مسائل تازه کنند.

بنابراین، بر پایه نظر سیلبرمن می‌توان گفت، اگر تنها حقایق خاصی را به کودکان بیاموزیم، با این واقعیت تلخ مواجه خواهیم شد که به آن‌ها مطالبی را آموزش داده‌ایم که مورد نیازشان نیست و آنان را برای مشاغلی آماده کرده‌ایم که دیگر وجود خارجی ندارند و از میان رفته‌اند. در این باره، کافی است

نیازمند سخت‌کوشی، توجه مداوم و داشتن حافظه شناختی قوی از سوی یادگیرنده است.

● **دوره نهفتگی:** در این مرحله، یادگیرنده آگاهانه درباره مسئله فکر نمی‌کند. در واقع، در این مرحله نوعی فرایند ذهنی درونی وجود دارد که اطلاعات تازه را به اطلاعات گذشته ربط می‌دهد. به این معنا که نوعی سازمان‌دهی مجدد اطلاعات، بدون آنکه یادگیرنده به‌طور مستقیم از آن آگاه و مطلع باشد، انجام می‌پذیرد. لذا نمی‌توان انتظار داشت که عملکرد یادگیرنده در این مرحله از نظم و سازمان‌دهی خوبی برخوردار باشد. زیرا تفکر و اگر عمل فکری عمده یادگیرنده به‌شمار می‌آید و نیازمند این است که یادگیرنده از آزادی فکری لازم برخوردار باشد و محدودیتی برای او به وجود نیاید.

● **اشراق:** در این مرحله، پدیده آها (بینش) رخ می‌دهد. در واقع، در این مرحله یادگیرنده ایده، مفهوم یا راه‌حل مسئله را به‌طور ناگهانی درمی‌یابد. بنابراین، عملکرد فرد غالباً مغشوش و نامنسجم است.

اگر تنها حقایق خاصی را به کودکان بیاموزیم، با این واقعیت تلخ مواجه خواهیم شد که به آن‌ها مطالبی را آموزش داده‌ایم که مورد نیازشان نیست و آنان را برای مشاغلی آماده کرده‌ایم که دیگر وجود خارجی ندارند و از میان رفته‌اند



کارها و ایده‌های
خلاقانه باید
کمک کنند
فرد تکالیف یا
وظایف محوله
را به نحو عالی
انجام دهد و از
انجام آن‌ها به
نتایج قابل
توجهی دست
یابد

یادگیرنده در این مرحله نیازمند تفکر واگرا، تحمل شکست و ابهام و قدرت ریسک‌کردن است.

● **اثبات تحقیقی**؛ در این مرحله، ایده‌ای که در مرحله‌های قبل به دست آمده است، سنجیده و قضاوت می‌شود تا معتبر بودن آن مشخص شود. عملکرد یادگیرنده در این مرحله، مرتب، سازمان‌یافته و روشن است. یادگیرنده برای طی کردن این مرحله نیازمند تفکر همگرا و ارزشیاب، انضباط فکری و پیروی از نوعی توالی منطقی است.

نکته قابل توجه این است که این مراحل ممکن است به طور تغییرناپذیری پی‌درپی اتفاق بیفتند یا اینکه در توالی زمانی معینی روی دهند. به این معنا که ممکن است که هر مرحله در یک روز، ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد و اتفاق بیفتد.

ویژگی‌های خلاقیت

این ویژگی که درباره خلاقیت به ذهن هر کسی می‌رسد، متفاوت و جدید بودن محصول یا عمل خلاقیت است. البته روان‌شناسان معتقدند، خلاقیت نوعی توانایی است که از متفاوت و جدید بودن فراتر است. سودمند بودن نیز در این باره مورد توجه است. کارها و ایده‌های خلاقانه باید کمک کنند فرد تکالیف یا وظایف محوله را به نحو عالی انجام دهد و از انجام آن‌ها به نتایج قابل توجهی دست یابد.

باید به این نکته توجه داشته باشیم که هر فردی می‌تواند خلاق باشد و با شکوفاسازی قدرت خلاقیت خویش، به پیشرفت‌های چشمگیری دست یابد. متأسفانه اکثر افراد ایده‌های خلاق را به شدت طرد می‌کنند. در حالی که افراد خلاق

از ایده‌های خود دفاع می‌کنند و می‌کوشند کارآمدی و سودمندی شیوه‌ها و ایده‌های ابداعی خود را اثبات کنند و نشان دهند که ایده موردنظرشان از شیوه‌های مرسوم و رایج بهترند، اکثر مردم با آن‌ها مخالفت می‌کنند. زیرا غالباً دوست ندارند بپذیرند شیوه‌هایی که تاکنون از آن‌ها استفاده کرده‌اند، اشتباه هستند. پس از رواج یافتن یک ایده یا شیوه در بین مردم عادی، به راحتی نمی‌توان به آن‌ها ثابت کرد که آن ایده یا شیوه، آن‌قدر که آن‌ها فکر می‌کنند، سودمند و مناسب نیست.

افراد خلاق باورهای پذیرفته‌شده مردم را زیر سؤال می‌برند و می‌کوشند نشان دهند که ایده‌های ابتکاری آن‌ها از ایده‌های قبلی کارآمدتر و بهترند. به همین دلیل، با مخالفت و اعتراض عامه مردم روبه‌رو می‌شوند. در نهایت، جامعه ممکن است به ایده‌های خلاق بهای لازم را ندهد، آن‌ها را با سوءنیت ارزیابی کند و با استدلال‌های غیرمنطقی، به این نتیجه برسد که آن‌ها بی‌ارزش هستند.

معمولاً افراد در دوره کودکی کم‌وبیش ایده‌های خلاق تولید می‌کنند. اما وقتی بزرگ‌تر می‌شوند به تدریج تولید ایده‌های خلاق آن‌ها کاهش می‌یابد. یکی از دلایل این امر آن است که جامعه به تدریج آن‌ها را وادار می‌کند به نظر سایر افراد بیشتر احترام بگذارند و باورهای پذیرفته شده آن‌ها را زیر سؤال نبرند.

راهبردهایی برای شکوفاسازی خلاقیت

۱. **بازتعریف کردن هر مسئله**: در بازتعریف هر مسئله باید آن را از زاویه‌ها و ابعاد گوناگون

بررسی کرد. وقتی با موضوعی روبه‌رو می‌شوید، باید تمام ابعاد آن را در نظر بگیرید و از زاویه‌های گوناگون به آن نگاه کنید. اگر نتوانید آن را بازتعریف کنید، بدین معناست که شما از موضوع شناخت کافی ندارید یا اینکه نمی‌دانید چگونه باید آن را بررسی کنید.

۲. زیر سؤال بردن و تحلیل کردن فرض‌ها و باورهای کلیشه‌ای:

هر فردی درباره هر موضوعی فرض‌ها یا باورهایی دارد. برخی فرض‌ها و باورها در جوامع رایج هستند و اکثر مردم آن‌ها را درست می‌دانند. این فرض‌ها و باورها چنان در بین آن‌ها جا افتاده و پذیرفته شده است که هیچ کس درباره درستی‌شان شک نمی‌کند. بررسی کردن و ارزیابی منطقی این‌گونه فرض‌ها و باورهای رایج، یکی از مراحل مهم تفکر خلاق است. لذا، زیر سؤال بردن فرض‌ها و باورهای رایج، باعث مخالفت و اعتراض شدید اکثر مردم می‌شود. در حالی که این نوع واکنش‌ها اصلاً درست نیست و هرگز نباید فرصت پرسش و تفکر را از افراد گرفت.

۳. انتظار استقبال دیگران از ایده‌های خلاق را نداشتن:

انتظار نداشته باشید که مردم ایده‌های خلاق شما را به راحتی بپذیرند. زیرا اکثر مردم دوست ندارند شرایط فعلی تغییر کند. تغییر شیوه‌های تفکر مرسوم، یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که فرد خلاق باید انجام دهد. افراد خلاق باید دیگران را متقاعد کنند شیوه‌های تفکرشان

را تغییر دهند یا حداقل درستی یا نادرستی آن‌ها را بررسی کنند.

۴. لذت بردن از تولید ایده‌های جدید: یکی از ویژگی‌های افراد خلاق این است که از تولید ایده‌های جدید لذت می‌برند. لذا بکوشید ایده‌های جدید تولید کنید و اجازه دهید ایده شما مورد نقد سازنده قرار گیرد. نقد سازنده فرد خلاق را تشویق می‌کند ایده‌های خلاق خود را با دیگران به بحث بگذارد و در صورت نیاز آن‌ها را اصلاح کند.

۵. شناسایی و رفع کردن موانع: افراد خلاق، غالباً با اعتراض و مخالفت مردم روبه‌رو می‌شوند. لذا باید بدانیم که زمان زیادی طول می‌کشد تا جامعه به اهمیت ایده‌های خلاق واقف شود. بنابراین، افراد خلاق باید صبور و بردبار باشند.

۶. ریسک‌پذیر بودن: منظور از ریسک‌پذیری، ریسک‌پذیری خردمندانه است. افراد خلاق با سنجش تمام جوانب و بررسی پیامدهای مثبت و منفی هر تصمیم، ریسک‌پذیر هستند و در صورت شکست، تجربه اندوزی می‌کنند و در آینده از تکرار آن‌ها می‌پرهیزند.

۷. تسلیم نشدن در برابر ابهام‌ها و تردیدها: اکثر افراد دوست دارند وقایع پیرامون خود را یا خوب بینند یا بد. باید به‌خاطر داشته باشید که برای تولید ایده‌های خلاق، چنین بینشی مناسب نیست. زیرا تنها با تحقیق و کسب اطلاعات بیشتر می‌توان پی برد که آیا ایده موردنظر به دردبخور است یا خیر. بنابراین، نباید در برابر ابهامات و تردیدها



تسلیم شد.

۸. ایمان داشتن به خود: همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ایده‌های خلاق با پذیرش و استقبال عمومی مواجه نمی‌شود. به همین دلیل، بسیار حائز اهمیت است که افراد خلاق، خودشان به‌کاری که انجام می‌دهند یا ایده‌ای که ارائه کرده‌اند، ایمان داشته باشند.

۹. احترام گذاشتن به علاقه‌ها: همیشه کاری را که خودتان دوست دارید انجام دهید. البته باید بتوانید تشخیص دهید واقعاً آن کار را دوست دارید و به انجام آن علاقه‌مند هستید. علاقه‌های افراد متفاوت است. به همین دلیل، روان‌شناسان توصیه می‌کنند خودتان علاقه‌هایتان را بشناسید و اجازه ندهید دیگران کارهای مورد علاقه‌شان را به شما تحمیل کنند.

۱۰. به تأخیر انداختن لذات آنی: تولید ایده‌های خلاق، مستلزم صرف زمان و پشتکار فراوان است. افراد خلاق باید قادر باشند مدت زمانی نسبتاً طولانی را روی یک ایده کار کنند، بدون اینکه پاداشی دریافت کنند؛

لذا باید قادر باشند حس ارضا یا دریافت پاداش را به تأخیر بیندازند تا به موفقیت برسند.

۱۱. پیدا کردن محیط مناسب برای پرورش خلاقیت: افراد خلاق باید محیطی را پیدا کنند که به شکوفایی قدرت خلاقیت آنان کمک کند و برای کارها و ایده‌های خلاقشان ارزش قائل شود. اگر محیطی که در آن فعالیت می‌کنند، این ویژگی را داشته باشد، راحت‌تر خواهند توانست استعدادها و توانایی‌های بالقوه را بالفعل کنند. در غیر این صورت، در شکوفاسازی قدرت خلاقیتشان با مانع مواجه می‌شوند.

خلاقیت یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در فرایند حل مسئله و یادگیری است. هر مسئله‌ای ممکن است از برخی لحاظ برای فرد جدید و ناآشنا باشد. در این شرایط، او برای درک دقیق ابعاد و پیدا کردن راه‌حل، باید از قدرت خلاقیت خود استفاده کند. هرچه فرد از قدرت خلاقیت بیشتر استفاده کند، مسائل را بهتر و زودتر حل خواهد کرد.

خلاقیت به معنای تبدیل اطلاعات کهنه برای حل مسائل تازه است

منابع.....

۱. استرنبرگ، رابرت جی؛ کافمن، جیمز سی؛ و گریگورنکو، النال (۱۳۹۰). هوش کاربردی. ترجمه مسعود بابازاده. ساوالان. تهران. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۱۱).
۲. گالاگر، جیمز (۱۳۷۲). آموزش کودکان تیزهوش. ترجمه مجید مهدی‌زاده و احمد رضوانی. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. (سال انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۷۴).